

۱ با توجه به معنی، واژه درست را انتخاب کنید.
الف) در این اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای (عمارت - امارت) بلند شد.
ب) روز و شب با فخر و (مباحات - مباحات) به تصدیق می‌نگریست.

۲ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
الف) عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
ب) متکلم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است.
پ) حیات از عشق می‌شناس و ممت بی‌عشق می‌یاب.
ت) بعد از این وادی استغنا بود / نه در او دعوی و نه معنا بود

۳ در متن «کلمه استاد را به پیشنهاد ایشان اختیار کردم اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم. همه حضار یک‌صدا تصدیق کردند که تخلصی بس بجاست و سزاوار ایشان است.»
الف) نوع وابسته و وابسته را بنویسید.
ب) نمودار پیکانی آن را رسم نمایید.

۴ در هریک از جمله‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک برگزینید.
الف) پس از او عموی بزرگم برجسته‌ترین شاگرد (حوزه / حوضه) ادیب بزرگ بود.
ب) از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جور راه (غربت / قربت) گرفتند.
پ) قدری برای به جا آمدن احوال و تسکین (قلیان / غلیان) درونی در حیاط قدم زدم.

۵ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
الف) پامان به ده باز نشده بود و در شهر دست و پا گیر نشده بودیم.
ب) پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.
پ) وا نیامد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن، آگاه کس
ت) سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

۶ در گروه کلمات زیر، سه نادرستی املايي وجود دارد؛ شکل درست هریک را بنویسید.
«حزین و غم‌انگیز، زی‌حیات و جان‌دار، ضمداد و مرحم، غرس و نشاندن، کازیه و جاکاغذی، مُصر و پافشاری‌کننده، معلوف و انس گرفته، هول و ترسناک»

۷ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
الف) مهمان‌ها سخت در محظور گیر کرده، تکلیف خود را نمی‌دانند.
ب) سعی کردم که پا جای پای شما بگذارم؛ مثل برق و باد خودم را به سنگر برسانم.
پ) برکش ز سر این سپیدمعجر / بنشین به یکی کبود اورند

۸ در کدام بیت، واژه‌های هم‌معنی واژه «جبهه» به کار رفته است؟
الف) دلم را داغ عشقی بر جبین نه / زبانم را بیانی آتشین ده
ب) الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز / در آن سینه دلی وان دل همه سوز

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
 الف) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نُبُرد.
 ب) در همان بحبوحهٔ بخور بخور منظرهٔ زوال غار خدایامرز، مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون انداخت.
 ج) توپخانه شروع کرده بود و صدای مهیب آن، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می‌کرد.
 د) چه استبعادی دارد که روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم!

در هریک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد.
 الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوان مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان
 ب) هرکسی از ظنّ خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من
 ج) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.

معنی هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.
 ج) نتوان شیبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
 ب) من بیش از همه مُصر بودم در شنیدن حرف‌های شما.
 ج) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید.

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
 ۱) کرانه‌های فرات، خط از کرانه‌ی رود تیبر می‌خواندند.
 ۲) بدان گه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره، بردش نماز
 ۳) خودتان را بزیند به ناخوشی و بگویند طبیب قدغن کرده؛ از تخت‌خواب پایین نیابید.

در نوشته‌ی زیر، منظور نویسنده را از قسمت‌های مشخص شده بنویسید.
 گفت: «به من دخلی ندارد! ماشاالله هفت قرآن به میان، پسر عموی خودت است.»

مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) در بذله و لطیفه نوک جمع را چیده است
 ب) هنوز دستگیرش نشده بود که مقصود من چیست.

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املائی بیاید و درست آن را بنویسید.
 الف) شیرمرد عرصه‌ی ناوردهای حول، پور زال زر، جهان پهلو ...
 ب) من هر چه تعارف می‌کنم تو بیش‌تر عبا و امتناع می‌ورزی.
 ج) فاصله‌ی بچه‌های بی‌حفاص، با خاکریز کم‌تر می‌شد.

معنی هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) دیدم توطئه‌ی ما دارد می‌ماسد.
 ج) جنگ بود این یا شکار آیا / میزبانی بود یا تزویر
 ب) که گفتی سمن داشت اندر کنار
 د) پیشت آید هر زمانی صد تعب

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
 ۱) ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریار است. در خرد و بینش، او را همتایی نیست.
 ۲) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.
 ۳) سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
 ۴) حالا دیگر مصطفی در خوش‌زبانی، نوک جمع را چیده است.

نام پدیدآورنده‌ی هریک از آثار زیر را بنویسید.
 الف) منطق‌الطیر: (ب) داستان کباب‌غاز: (ج) فی حقیقة العشق: (د)
 قصه شیرین فرهاد:

معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.
 (۱) آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آرد، بدو نتواند رسد.
 (۲) شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.
 (۳) پرده‌ی ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نُبرد.

از متن درس، مَثَلِ متناسب با هریک از این سروده‌های سعدی بیابید و مقصود اصلی آن‌ها را بیان کنید.
 الف) گلّه‌ی ما را گِلّه از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می‌کند
 ب) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اوّل اندیشه کند مرد که عاقل باشد

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.
 الف) پشت دست داغ کردن:
 ب) سماق مکیدن:
 پ) چند مرده حلاج بودن:

در عبارت زیر، «نفس گرفت» چه مفهومی را بیان می‌کند؟
 «به جلو نگاه کرد تا جایی که چشم کار می‌کرد، هیچ‌کس دیده نمی‌شد، نفس گرفت و دوباره با تمام سرعت دوید.»

معنی عبارت زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
 مهمان‌ها در محظور گیر کرده بودند.

قسمت مشخص شده در عبارت زیر منجر به خلق کدام آرایه‌ی ادبی داخل کمانک شده است؟
 تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش. (کنایه - ایهام)

قسمت مشخص شده در عبارت زیر، منجر به خلق کدام آرایه‌های ادبی شده است؟
 با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی بر سر بریزم؟»

نویسنده در جمله‌ی «آن را در زوایا و خفایای خاطر و مخیله نشخوار کردم» به چه عملی اشاره کرده است؟

نویسنده‌ی «کباب غاز» از کدام شیوه‌های نویسندگی برای تاثیرگذاری بیشتر استفاده کرده است؟ دو مورد را بنویسید.

معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.
 دیدم توطئه‌ی ما دارد می‌ماسد و مهمان‌ها در محظور گیر کرده‌اند.

معنی لغت مشخص شده را بنویسید.
 برای تسکین غلیبان درونی در حیاط قدم زدم.

عبارت‌های زیر را معنا کنید:
 الف - جلو کسی در آمدن ب - سماق مکیدن پ - شکم را صابون زدن ت - چند مرده حلاج بودن

- ۱ الف) عمارت (ص ۱۳۷) ب) مباحثات (ص ۷۱)
- ۲ الف) شیره درخت انگور با قدرت اول، عسلی خالص شده. (ص ۱۲)
ب) تنها گوینده جمع و بزم آرای بدون رقیب شده بود. (ص ۱۳۷)
پ) زندگی را حاصل عشق بدان و مرگ را در عاشق نبودن، جست‌وجو کن. (ص ۵۳)
ت) پس از این، بیابان استغنا و بی‌نیازی است [که] در آن، ادعا (لاف زدن) و معنا (حقیقت) وجود ندارد. (ص ۱۲۳)
- ۳ الف) قید صفت
ب) تخلصی بس بجا (ص ۱۳۷)
- ۴ الف) حوزه (ص ۷۱) ب) غربت (ص ۱۰۸) پ) غلیان (ص ۱۴۰)
- ۵ الف) هنوز به ده رفت و آمد داشتیم و گرفتار شهرنشینی نشده بودیم. (ص ۷۱)
ب) از این کار پشیمان شدم که دیگر به فکر ارتقای رتبه نباشم. (ص ۱۴۰)
پ) کسی در جهان از این راه بازنگشته است [به همین دلیل] کسی از مسافت این راه، آگاه نیست. (ص ۱۲۲)
ت) سیاوش این‌گونه گفت که ای پادشاه، تحمل دوزخ برای من آسان‌تر از این سخن (این تهمت) است. (ص ۱۰۱)
- ۶ ذی‌حیات (ص ۱۵۴) / مرهم (ص ۱۶۸) / مألوف (ص ۱۳۷)
- ۷ الف) مهمان‌ها به شدت گرفتار شده بودند و نمی‌دانستند چه کار کنند. (ص ۱۳۸)
ب) سعی کردم دقیقاً از شما پیروی کنم؛ با سرعت خودم را به سنگر برسانم. (ص ۹۲)
پ) این روسری سفید (برف) را از سرت بردار. بر تخت پادشاهی بنشین. (ص ۳۵)
- ۸ الف) جبین (ص ۱۶۳)
- ۹ الف) آبروی بندگان را با گناه آشکار نمی‌ریزد و وجه معاش (رزق و روزی تعیین شده) را به دلیل خطای زشت قطع نمی‌کند. (ص ۱۲)
ب) در همان میانه غذا خوردن، منظره نابودی غاز، مرا به یاد ناپایداری روزگار ریاکار انداخت. (ص ۱۳۹)
ج) آتش توپخانه آغاز شده بود و صدای ترسناک آن، صدای ضعیف اسلحه کلاش را محو می‌کرد. (ص ۹۲)
د) بعید نیست که به زودی خاطرات سفر ماه را هم بنویسم. (ص ۶۱)
- ۱۰ الف) غدر (ص ۱۱۲)
ب) ظن (ص ۴۶)
ج) عمارت (ص ۱۳۷)
- ۱۱ الف) ارتقا یافتن، رتبه گرفتن (ص ۱۳۲) ب) اصرارکننده، پافشاری‌کننده (ص ۸۸)
ج) مانند، مثل، همسان (ص ۱۰) د) ناله و فریاد با صدای بلند، شیون (ص ۱۱۴)
- ۱۲ ۱) کشورهای عراق و سوریه (دورترین کشورها) از فرمان روم (ایتالیا) اطاعت می‌کردند. (ص ۶۲)
۲) وقتی سیاوش پیش کاووس رفت از اسب پیاده شد و تعظیم کرد. (ص ۱۰۴)
۳) وانمود کنید که بیمار هستید، و بگویید پزشک ممنوع کرده و از رخت‌خواب برنخیزید. (ص ۱۳۴)

۱۳ دخی ندارد: ربطی ندارد (ص ۱۳۳)

هفت قرآن به میان: چشم نخورد (بلا به دور باشد) (ص ۱۳۳)

۱۴ الف) فرصت صحبت را از همه گرفته است. (بر همه مسلط شده است) (ص ۱۳۷)
ب) درنیافته بود، نفهمیده بود (ص ۱۳۷)

۱۵ الف) هول (ص ۱۱۰)

ب) ابا (ص ۱۳۶)

ج) حفاظ (ص ۹۲)

۱۶ الف) به نتیجه می‌رسد، به ثمر می‌رسد. (ص ۱۳۸)
ب) نوعی درخت گل، یاسمن (ص ۱۰۴)
ج) دورویی، ریاکاری، نیرنگ (ص ۱۱۴)
د) رنج و سختی (ص ۱۲۲)

۱۷ ۱) ما پرندگان هم رهبر و پادشاهی داریم که در خرد و بینش، همانندی ندارد. (ص ۱۲۰)
۲) روزگاری همه‌ی مردم دنیا به ایتالیا توجه داشتند و از آن بیم داشتند. (ص ۶۲)
۳) سیاوش گفت ای پادشاه! تحمل دوزخ در برابر این تهمت برای من آسان‌تر است. (ص ۱۰۱)
۴) اکنون مصطفی در خوش‌صبحتی، بر جمع مسلط شده است. (ص ۱۳۷)

۱۸ الف) عطار (ص ۱۲۵)
ب) محمدعلی جمالزاده (ص ۱۴۰)
ج) شهاب‌الدین سهروردی (ص ۵۲)
د) احمد عربلو (ص ۴۳)

۱۹ ۱) کسی که سیمرغ (خداوند) را بشناسد، نمی‌تواند دوری از او را تحمل کند و کسی که به او رو بیاورد، نمی‌تواند به او دست یابد. (ص ۱۲۱)

۲) همه‌ی حواسم به مصطفی است که با بوی غاز از خود بی‌خود نشود و اختیارش را از دست ندهد. (ص ۱۳۷)
۳) خداوند آبروی بندگان را به خاطر گناه آشکار نمی‌برد و روزی مقدر کسی را به خاطر خطای زشت قطع نمی‌کند. (ص ۱۲)

۲۰ الف) از ماست که بر ماست

ب) چون تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد

۲۱ الف) پشت دست داغ کردن: توبه کردن از کاری

ب) سماق مکیدن: بیهوده منتظر ماندن

پ) چند مرده حلاج بودن: چه قدر توانایی داشتن

۲۲ نفس تازه کرد (۰/۲۵) (ص ۱۴۵)

۲۳ مهمان‌ها در رودربایستی افتادند. (۰/۲۵)

۲۴ کنایه (۰/۲۵)

۲۵ کنایه (۰/۲۵)

۲۶ فکر کردن (تأمل و اندیشه)

۲۷ توصیف، ذکر جزئیات، طنز، ضرب‌المثل، زبان عامیانه.

۲۸ دیدم نقشه‌ی ما دارد عملی می‌شود و مهمان‌ها در تنگنا (رودر بایستی) افتاده‌اند.

۲۹ جوشش (جوش و خروش)

۳۰ الف- خوب پذیرایی کردن (یا تلافی کردن) ب- انتظار بیهوده پ- به خود وعده‌ی واهی

دادن

ت- توانایی و قدرت داشتن